

دیوارهای بلند بی‌اعتمادی

این روزها زیاد با واژه «دیوار» و «دیوارکشی» مواجه می‌شویم.

به گزارش سایت خبری پرسون، آذر منصوری در یادداشتی نوشت: در تازه‌ترین اقدام آن طور که در خبرها آمده است، پارک مشروطه تبریز هم با دیوارکشی، زنانه - مردانه شده است. امیدوارم طرح این چهار نکته موجب شود مدافعان چنین رویکرد جزم‌گرایانه‌ای چشم‌های خود را بشویند و واقعیت‌های جامعه امروز ایران را آن طور که هست ببینند.

نخست؛ استدلال مدافعان چنین دیوارهایی پیشگیری از تبدیل امر حلال خداوند به حرام است. و لابد با خود فکر می‌کنند که با این دیوارکشی می‌توانند با برخی مفاسد اخلاقی که در پارک‌ها و مکان‌های عمومی اتفاق می‌افتد و بیشتر از هر چیز به چشم آنها می‌آید، پیشگیری یا مقابله کنند. بنابراین در دسترس‌ترین اقدام مدافعان دیوارکشی و این جداسازی‌ها به تعبیر خودشان اسلامی کردن جامعه ایران است. آنها در این ارتباط به احکامی هم استناد می‌کنند که وظیفه والی شهر است و باید مجری آنها باشند. اما آیا مگر قرار بوده وظیفه حکمرانی که خود را اسلامی می‌داند در ظواهر و مناسک ساختگی آن هم به ضرب و زور و اجبار خلاصه شود؟ مهم‌ترین و اصلی‌ترین ماموریت هر دولتی حفظ و ارتقای کرامت و امنیت و رفاه شهروندان است.

اگر چنین است چگونه جامعه‌ای که از فقر و فلاکت و تبعیض و توسعه‌نیافتگی رنج می‌برد را می‌توان اسلامی نامید؟ مگر قرار نبود در نظام پس از انقلاب اسلامی دین و دنیای مردم آباد شود؟ وقتی رییس‌جمهور برای توجیه ناکارآمدی‌ها آدرس «بانیان وضع موجود» را می‌دهد، قبل از سراغ بانیان آن رفتن، به زبان بی‌زبانی اعترافی تلخ می‌کند که وضع موجود برای او هم قابل دفاع نیست. در شرایطی که کشور از انواع گسست‌ها و شکاف‌ها بین حاکمیت و مردم رنج می‌برد و نشانه اصلی آن هم بی‌اعتمادی به مجموعه حاکمیت در اداره کشور و عبور از بحران‌هاست، این دیوارکشی‌ها تنها نتیجه‌ای جز قطور و بلند کردن دیوار بی‌اعتمادی و تولید خشم و نفرت به دنبال نخواهد داشت.

آسیب‌های اجتماعی راه‌حل علمی و کارشناسانه دارد و دقیق‌ترین آدرس آن، قرار گرفتن کشور در مسیر توسعه است. به میزانی که از توسعه دموکراتیک، متوازن و پایدار فاصله بگیریم باید منتظر شدت یافتن انواع آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی در کشور باشیم. اصرار بر دیوارکشی یعنی اصرار بر پاک کردن صورت مساله که پیامد آن رفتن سراغ آدرس‌های غلط با آسیب‌ها و مناقشه‌های جدید و بیشتر است.

دوم؛ در زمانی که رهبر فقید انقلاب در قید حیات بودند، عروس امام به ایشان اطلاع دادند که دانشگاه ما را جداسازی کرده‌اند. امام فی‌الفور دستور پیگیری تا لغو این جداسازی‌ها را دادند. محیط‌های عمومی، اعزاز دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پارک‌ها اجتماعی‌ترین و امن‌ترین موقعیت برای رفتارهای سالم اجتماعی زنان و مردان یک جامعه در کنار یکدیگر است و این نوع جداسازی‌ها نه تنها دغدغه مدافعان جداسازی را حل نمی‌کند، بلکه بر تل و انبوه معضلات زیر پوست شهر خواهد افزود. به خصوص در جامعه متنوع و متکثر ایران که به رغم همه این تفاوت‌ها و نارضایتی‌ها در کنار یکدیگر به مسالمت‌آمیزترین وجه ممکن زندگی می‌کنند. این دیوار آتشی جدید بر خواهد افروخت.

سوم؛ خوب است مدافعان این جداسازی‌ها و دیوارکشی‌ها نظرات مردم را هم جویا شوند. به راستی و در عالم واقع چند درصد مردم ایران موافق این دیوارکشی‌ها هستند؟ (من نمی‌دانم) اگر قرار است نظر ولی‌نعمتان در سیاستگذاری‌ها اعمال شود. آیا دیوارکشی هم نماد دیگر تک صدایی و اقلیت‌سالاری است؟

چهارم؛ وجود پارک‌های اختصاصی زنان در بسیاری از جوامع، امری مرسوم است. در کشور ما هم چنین پارک‌هایی وجود دارد و کاربری خاص خود را هم دارد. اما کاربری پارک‌های عمومی، با توجه به استفاده جمع‌های خانوادگی و دوستانه در آن است. جمع‌هایی که پارک‌ها را محیطی امن و توأم با آرامش برای گذراندن لحظات خارج از خانه تشخیص و ترجیح می‌دهند. با جداسازی‌ها این محیط عمومی را از خانواده‌ها سلب می‌کنید. و حرف آخر اینکه مخاطب بیرونی وقتی به این نوع اقدامات از طرف حاکمیت نگاه می‌کند، بیش از پیش به این واقعیت تأسفبار پی می‌برد که گویی جامعه و حکومت ایران در دو دنیای دور از هم و کاملاً بیگانه با یکدیگر زندگی می‌کنند.

منبع: روزنامه اعتماد